

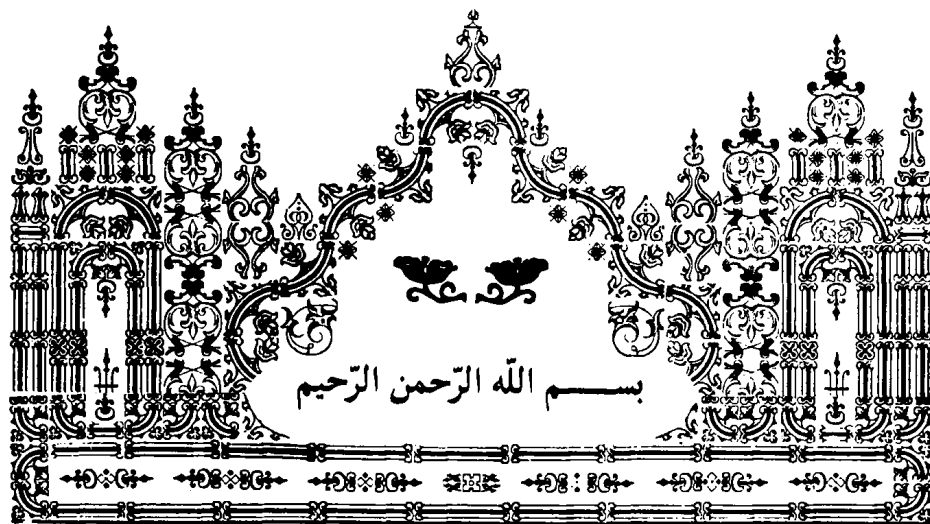
مكائيب شيراز

خُصِرَتْ شَاهُ غَلَامٍ عَلَى دِي هُلُوِي رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهَا

المتوفي سنة ١٢٤٠ هـ. [١٨٢٤ م.] في دلهي

حُكْمٌ بِإِذْنِ الْحَسَنِ الرَّاهِي

قد اعتنى بطبعه طبعة جديدة بالأوفست
مكتبة الحقيقة



کلمه تشکر

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد المرسلين شكر بى حد آن واهب العطايا را تعالى شايد كه اين فقير بى بضاعت را توفيق كرامت فرمود كه مكاتيب شريفه حضرت شاه غلام على دهلوى رحمة الله تعالى عليه بطبع آورد.

الحق كتابى است كه در تشریح و توضیح طريقه عليه نقشبنديه مجددیه ثانى ندارد عبارتش نهايت ساده و عام فهم است اين كتاب بار اول در سنه ۱۳۳۴ هـ. [۱۹۱۵ م.] در مطبع عزيزى مدراس بطبع آمده بود. بمطابق آن نسخه كه مولانا محمد سعيد خان صاحب مرحوم و مغفور مفتى عدالت عاليه حيدر آباد دكن در حدود سنه ۱۲۹۶ هـ. [۱۸۷۹ م.] از نسخه مخطوطه بخط جامع مكاتيب حضرت شاه رؤف احمد مجددى رحمة الله عليه از كتبخانه مظهرية بمدينه طيبه على ساكنها الف الف تحية نقل بر داشته بودند.

اما از عرصه دراز آن مخطوط ناپديد و اين مطبوعه هم نا ياب گرديده بود. بوجه تعدد قلم ناسخين نسخه مطبوعه مدراس از اغلاط كتابت پاك نبود و ديگر نسخه قلمى كه از كتب خانه موسى زئى شريف بهم رسيد آن هم چندان صحيح نبود تا هم غنيمت شمرده در تصحيح و كتابت اين اشاعت هردو نسخه را پيش نظر داشته مساعى ممكنه در صحت آن بجا آورده شد و مکتوباتى چند كه در سبعة سياره و كلمات طييات و

هدایت الطالبین مندرج بودند آنها را هم بصحت بکار آورده شد تا هم در بعض مواقع سهوی و فرو گذاشتی در کتابت و طباعت باقی باشد براه کرم درست کنند و این فقیر را معذور داشته معاف فرمایند و بدعای خیر یاد دارند.

قطعه تاریخیه و مدحیه

(از مولانا محبوب الهی صاحب وفائی سلمه)

شاه عبد الله غلام با علی * خاصه خاصان مولای کریم
قطب عرفان گوهر تاج ولا * هادی عالم براه مستقیم
بد مجدد قرن ثالث و العشر * حُجَّةٌ لِلَّهِ فِي الدِّينِ الْقَوِيمِ
از مکاتیبش منور شرق و غرب * از تجلی های رحمن و رحیم

آن طریق خاص شاه نقشبند * اقرب و هم موصل و هم مستقیم
تخم آنرا در زمین هند کاشت * خواجه ما باقی بالله الکریم
گشت اصلش ثابت و فرعش بعرض * از مجدد الف ثانی غنیم
شارح اخبار ختم المرسلین * کاشف اسرار قرآن حکیم
گفت دین چه ؟ اتباع مصطفی * زان طریقت شد شریعت را خدیم
داده آرایش بافزایش ز حق * آن امام بر حق دیار قسیم

قاسم آمد گنج آمد شاه ما * بر ملا گویم ندارم هیچ بیم
باز از وی داده تجدید جدید * شیخ مارا داد ان ربّ علیم

بحر عرفان شیخ عبد الله ما * کین زمان گردیده فیضانش عمیم
نائب بوسعده احمد آمد ست * کوبقیوم زمان بوده و سیم
اوست نوری از سراج الدین حق * و آن ز عثمان گلشن عنبر شمیم
اوز شیخ قندهاری نائب ست * و آن بشه احمد سعید آمد ضمیم

گر بپرسی نسبت آن پاک ذات * اوز شاه بوسعید آمد مقیم
 او خلیفه شاه را پس این چنین * شیخ ما با شاه می گردد ندیم
 فیض عبد الله بعبد الله رسید * شکر لله العلیّ والعظیم
 شیخ ما چون این چمن را آب داد * شد مشام طالبان پراز نسیم
 هم بصحت هم بطبعش رنج برد * تا بر آورد آب چون دُرّیتیم
 چون وفائی فکر سال طبع کرد * گفت هاتف این بداند هر فهمیم
 عظمت و عرفان حق را مظهرست * زان بیامد سال اوشان عظیم (۱۳۷)
 لَا تُرِيدُ غَيْرَ وَجْهِكَ يَا لَذِي * قَدْ عَمِلْنَا رَبَّنَا أَنْتَ الْعَلِيمُ (۱۳۸)
 درین زمان حامل این اسرار و معارف و صاحب رشد و هدایت این طریقه شریفه سیدنا
 و مرشدنا حضرت مولانا محمد عبد الله صاحب مد ظلّهم العالی اند که محرک طباعت
 این رساله شریفه شدند ایشان خلیفه اعظم و سجاده نشین حضرت قیوم زمان محبوب
 رب العالمین سیدنا مولانا ابوالسعد احمد قدس سره العزیز بانی خانقاه سراجیه مجددیه
 اند که نزد گُندیان ضلع میانوالی بفاصله سه (۳) میل بجنوب مائل به شرق واقع است.
 درین اشعار قطعاً مبالغه نیست حضرت ممدوح درین زمان پر فتن هم طریقه
 علیه نقشبندیه مجددیه را محافظ اند و هم این راه سلوک را هادی و مرشد
 بیت: هنوز آن ابر رحمت در خروش است * خم و خمخانه و ساقی بجوش است
 این حقیقت بر ارباب نظر و بصیرت مخفی نیست.
 این فقیر از عهده شکر پروردگار خود بر نیاید اگر هم شکر مساعی و ذره نوازی
 شیخ خویش حضرت مولانا محمد عبد الله صاحب مد ظلّهم العالی ممدوح الصدر بجا
 نیارد من لم يشكر الناس لم يشكر الله ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت
 اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرين و السلام علی من اتبع الهدی و التزم متابعة
 المصطفى علیه و علی آله الصلوة و السلام.
 العارض بنده عاجز فقیر عبد المجید احمد سیفی عفی عنه
 ۲۱ شعبان المعظم سنه ۱۳۷۱ هـ. [۱۹۵۱ م.]

مکاتیب شریفه

قطب الارشاد سیدنا و مولانا حضرت شاه عبد الله دهلوی معروف به شاه

غلام علی دهلوی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل التصوف صفاء لقلوب الاصفياء و اعد التعرف جلاء
لجنان العرفاء و الصلوة و السلام على سيدنا امام الانبياء و على آله و اصحابه الاتقياء
ترجمه حضرت مصنف قطب فلک ارشاد غوث ابدال و اوتاد قدوة الواصلين
امام العارفين زبدة الاولياء الكاملين نائب سيد المرسلين حضرت شاه عبد الله العلو
المشتهر بشاه غلام علی الدهلوی قدس الله سره و افاض علينا بره ولادت در سنه يکهزار
و یک صد و پنجاه و هشت ۱۱۵۸ هـ. [۱۷۴۵ م.] در قصبه طُباله (پنجاب) بظهور آمد
نسب شریف بحضرت علی مرتضی کرم الله وجهه میرسد بعد تحصیل علوم دینیہ بعمر
بیست و دو سالگی اخذ طریقہ شریفہ از حضرت مرزا جانجانان مظهر شہید قدس الله
سرہ نمودند و بکمال ریاضات و مجاہدات شاقہ سر آمد اولیاء عارفین گشتند و فیض
ارشاد و ہدایت ربیع مسکون را در گرفت ہزاران علماء و صلحا از اقالیم بعیدہ بخدمت
شریف شتافتند بعضی بحکم آن سرور صلی الله علیہ و سلم بآستانہ علیا رسیدند مثل
مولانا خالد رومی و شیخ احمد کردی و سید اسماعیل مدنی و بعضی بدلالیت بزرگان
بیعت نمودند و برخی ذات مقدس را در خواب دیدہ مشرف شدند قبولیت تمام و
مرجعیت خاص و عام پیدا شد چون عمر شریف بہشتاد و دو رسید در عین مرض بواسیر
و خارش حضرت شاه ابوسعید قدس سرہ را کہ خلیفہ اول ایشان بودند برای جانشینی
خود بتأکید تمام طلب فرمودند و رُو بروی خود قائم مقام خویش ساختند و بتاریخ

بیست و دوم صفر سنه یکهزار و دو صد و چهل ۱۲۴۰ هـ. [۱۸۲۴ م.] بعد اشراق در هیئت احتبا در کمال استغراق مشاهدۀ حق ازین دار پر ملال انتقال فرمودند خوش گفت بیت:

سال تولید و حیات وفوت آن سلطان پاک * مظهر جود و امام و مظهر یزدان پاک
و مزار پر انوار در دهلی اندرون خانقاه شریف واقع است یزار و یتبرک رضی الله عنه و
افاض علینا فیوضه و برکاته. [مزار مرزا جانجانان و ابوسعید فاروقی و ابوالخیر نیز درین
خانقاه است]

صنعت غیر منقوطه و توشیح: مورد اسرار علوم و حکم * حاکم کل عالم علم
امم * مهر کرم ماه عطا در داد * دادرس عالم اهل و داد * صلی الله علیه و علی آله و
اصحابه و سلم اما بعد امیدوار مغفرت ایزدی رؤف احمد مجددی عفی عنه [۱]
گذارش می نماید که بالقای غیبی بخاطر ریخت که مکتوبات متفرقات قدسی سمات
حضرت پیر دستگیر من کاروان طریقت من سالکان حقیقت رب نخیل عرفان بر مرتبه
احسان بحر فیوض نبویه حامی طریقت مصطفویه قاف استقامت و تمکین امام ملت و
دین حاکم شریعت خیر البشر مجدد مائة ثالثة و العشر دافع ظلمات دلها والی ولایات
اولیا بانئ مبانی عرفان وارث کمالات مرسلان بشیر معارف و حقائق کتاب علوم دقایق
رحمت دل و جان والی انس و جان هادی سالکان لاهوتی ماهی دریای هاهوتی عالم
علوم نبویه مالک شریعت مصطفویه رأفت عالم و عالمیان عظمت آدم و آدمیان ثقه
گروه اولیاء مقبول جناب کبریا ادیب قاصدان هدایت نقیب لشکریان ولایت واقف
یقین حامی دین ید الله لاخذ بیعت المریدین دلیل قدرت رب العالمین رازدار (... فَأَيْنَمَا
تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ... الآية. البقر: ۱۱۵) واقف نشیب و فراز راه حاوی اسرار معیت و
اقربیت سرور سریر محبت و محبوبیت نائب جناب مصطفی یسر فرمای عسر هردو سرا
ناظم مناظم ولایت واقف مواقف هدایت باعث تجدید دین تابع رضای سید المرسلین
ولی خدا لعل سخا پیر عالم امیر آدم کنز اسرار (علماء اُمتی کانبیاء بنی اسرائیل) خلیل

(۱) رؤف احمد مجددی توفی سنة ۱۲۵۳ هـ. [۱۸۳۷ م.] مغروفا فی الیمین

رب جلیل وزیر سلطان لولاک شاه ایوان فلک الافلاک دادرس مظلومان آیت رحمن رهبر اعم دافع ظلم رهنمای انس و جان داروی امراض جان وسیله مغفرت نیازمندان عارف معارف نقشبندان آفتاب آسمان هدایت و ایقان لعل کان ولایت و احسان مروج شریعت و طریقت واقف حقیقت و معرفت دجله سخا و عطا هادی ما و شما عاشق خدا شیدای کبریا قیوم زمان خازن عرفان واله رسول الثقلین داوَر کونین مربای الطاف رب العالمین راکب توسن تمکین افضل فضلا اکمل عرفا نافع امت مصطفویه مقبل ذات نبویه ناصب لوای رهنمونی کاسب ضیای بیچونی شمس فلک احسان فخر زمین و آسمان حافظ امانت قاف استقامت یار و ناصر اهل ایمان قامع بدعت و بطلان توضیح اشکالات و احدیت شارح متن احدیت ره نورد دشت تجرید عابد بادیه نشین تفرید رهبر اعظم سرور اکرم وارث کمالات انبیاء لؤلؤ صدف اهتداء پیشوای انس و ملک آبروی زمین و فلک کتاب اسرار اله شیخنا و امامنا و وسیلتنا الی الله مد الله تعالی ظلال رافتهم علی مفارق الطالبین الی یوم الدین آمین.

مثنوی مشتمل بر صنعتیکه از حروف سرهای تمام مصاریع اولی و كذلك از سرهای مصاریع آخری هردو اسم مبارک آنجناب مشهور و غیر مشهور می برآید بهمین نهج نام بنده لاشی از حروف پای های مصاریع اظهار قدمبوسی خود می نماید و تابه شعری که ظهور این صنعتین مثنوی هم ذو بحرین است

حامی دین مالک هر بحر و بر * حاکم کل نائب خیر البشر * ضابط سر مرشد راه وراء *
ضامن نور از پی اهل ولاء * رحمت حق قاطع هر آرزو * رهبر دین دافع دیو عدو *
تارک دنیا و دَر دین را صدف * ترک از وی یافته عز و شرف * غلبه حق والی هر دو
سرا * غره پیشانی اهل صفا * لمعه نور از پی ترویج رُوح * لجه فتح و در بحر فتوح *
اکرم عالم مه عز و کرم * افضل آدم شه اهل حکم * مخزن اسرار و در بحر جود * معدن
انوار و در بحر جود * عالم علمی که جلی و خفی است * عارف اسرار نبی و ولی
است * لؤلؤی عمان سخا و کرم * لمعه فیضان وجوب و قدم * یار و مددگار محبان حق

* یسر کن عسر بفیضان حق * عارف و عریف بعرفان ذات * عالم علمی که گذشت
از صفات * بانی ایوان صفا در صفا * باعث عنوان وفا در وفا * داروی اسقام جنان
جهان * دافع آلام تن انس و جان * آئینه چهره مقصود خلق * آب ده مزرعه امید خلق
* لمعه انوار کریم الرحیم * لجه اسرار علیم الحکیم * لیس کمثله ز وجودش نشان *
لامع و ساطع بزمین و زمان * هادی ما آنکه هدایت نشان است * هیبت حق است که
رافت عیان است

معماء اسم مبارک مشهور آنجناب

اکلیل غوثیت بسر آن ماه من پرداخته * عین عنایت بهرمن رافت ظهوری ساخته
ایضاً

منع نظاره را مکن لطف تو اینقدر بس است
بنده چشم خویش خوان بهرمن این نظر بس است

معماء اسم غیر مشهور

نرگس تو بدست یافت جای عصا قیامتی * زین دو بلا گزیر نیست کاش بچاه اوفتم
بنده قامت و زلفین و دهان یارم * غنچه و سنبل و سرویست که در دل دارم
که هر یک مکتوبی از آنها مشتمل بر حقائق شریعت و طریقت است و
متضمن دقایق حقیقت و معرفت بل هر سطری ازان چون سلک لالی منشوره صفا بخش
دلهای عارفان است و هر لفظی ازان برنگ دُرر غرر منشوره ضیا افزای تیره باطنان نی
نی هر حرف ملاحظت ظرفش چشمی است برای نظاره یار و هر نقطه فیض لقطه اش
مردمکی است زیب دیده اولی الابصار جمع نمایم تا عالمی ازو متمتع گردد و جهانی
ازو منتفع شود مطالعه اش طالبانرا براه راست هدایت نماید و خواندنش خواهندگانرا
بصراط مستقیم دلالت فرماید صفای صوفیان افزاید کدورات لا یوفیان زواید مریدان را
بمقام مرادان رساند و مرادان را واصل تر گرداند ابرار را مقام مقربان عطا فرماید و
مقربان را بکمال محبوبان معزز نماید

مثنوی

عابدانرا عاشقان حق کند * عاشقان را واصل مطلق کند
شوق افزاید محبانرا ازو * کور یابد دیده بینا ازو
سالکان را می برد از راه جذب * هر مریدی را کند آگاه جذب
مع هذا اخوت پناه کمالات دستگاه عالم علوم دینیه عارف معارف یقینیه اخوی اعظمی
که نام نامیش ازین بیت بطرز تعبیه پیدا است

معماء

قدت را ببوی معطر چو دید * کلاه سعادت بپوشید عید
و در میان ایشان و این تراب الاقدام درویشان از ایام طفولیت تا الآن اتحاد بحدیست
که در تحریر نمی آید و مودت بمرتبه ایست که در تسطیر نمی گنجد گویا یک جان و
دو قالب ایم بل ازین هم غالب سلسله جنبان این امر جلیل القدر گردیدند پس سنه
هجری که اعدادش ازین قطعه می بر آیند باحسن التراکیب شروع در جمع این مکاتیب
فیوض اسالیب نمودم قطعه تاریخ جمع آن نامه ها کز آنها هر حرف قلب فرح ست هر
نقطه ایست نکته انموذج غرائب * داده چو انتظامش رفت بگفت هاتف * در یاب
سال جمعش از مظهر عجائب * و الله الموفق لا تمام هذا الامر الصواب و الیه المرجع و
المآب.

۱۲۳۱ هـ. [۱۸۱۵ م.]

حاشیه متعلقه دیباچه (۱) از اول حروف سر بر فقره از آغاز عبارت مدحیه که در وصف پیر دستگیر خود نوشته اند
این عبارت می بر آید یا رب بحق احمد و بوبکر و هم عمر عثمان و حیدر و حسنین و بتول پاک خوش دارد در دو
عالم و در عشق خود مرا کن منکشف حقیقت شرع رسول پاک (۲) از قد بعمل تشبیه الف مراد داشته و چون
بابو ملصق شد ابوشد و کلام سعادت که مبین است چون عید را پوشانید سعید شد پس ابوسعید شد

مکتوب اوّل

در بیان عقیده در حق اصحاب کرام و تفضیل آنحضرات بر اولیاء اُمت و تفضیل حضرات شیخین و محبت ختنین علیهم الرضوان و فضل متقدمین مشایخ بر متأخرین و اثبات تجدید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی^[۱] رضی الله تعالی عنه و شمه در دفع شبهات بعضی منکران که بر کلام آنجناب نموده اند و ما یناسب ذلك

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حمداً كثيراً طیباً مبارکاً فيه مبارکاً علیه كما يحب ربنا ويرضى على ما انعم علينا و من قبلنا و افضل شكر نعمتهای متکاثره منعم بر حق عم نواله مقدور بیان نیست که مارا از اُمت مرحومه محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم ساخت و بعقائد اهل سنت و جماعت سرفراز گردانید و تفضیل شیخین بر سائر اُمت و محبت ختنین علیهم الرضوان و محبت و تعظیم اهل بیت عظام و احترام و اکرام اصحاب کرام و این محبت و تعظیم دو رکن ایمان و نجات اند ممتاز فرمود رضی الله تعالی عنهم و تفضیل انبیا علیهم السلام بر اولیاء رحمة الله علیهم عقیده کرامت فرمود ذوق و شوق و اسرار و علوم هیچ ولی بلطافت نسبتهای عالیّه هیچ نبی نمیرسد که آن از تجلی صفاتی صدور یافته و این از تجلیات ذاتیه ناشی گردیده اولیاء را تابع خود نموده بلکه اصحاب کرام را رضی الله تعالی عنهم بر اولیا فضل ثابت است که بشرف صحبت مبارک خیر الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم عیون حکمت الهی و ینابیع فیوض نامتناهی گردیده بهدایت امت محمدیه پرداختند و بنظر عنایت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فیضی و نوری در دلها یافته صبر و قناعت و توکل و رضا و تسلیم سرمایۀ حیات خود نموده تهجد و نوافل عبادات سجدۀ رضیۀ خود گردانیده از غلبۀ محبت خدا و رسول حرب اقرارا

(۱) امام احمد ربانی توفی سنه ۱۰۳۴ هـ. [۱۶۲۴ م.] در سرهند

فلاح و صلاح دارین خود دانسته بجهادات و جان فشانیها رواج دین و اسلام فرمودند تا مردم مسلمان شدند پس هیچ ولی بمرتبه ادنی صحابی نرسد رضی الله تعالی عنهم و شکر اینها بر همه مسلمانان لازم گشت جزاهم الله سبحانه خیر الجزاء سبحانه الله زهی تاثیر صحبت مبارک و مقدس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم قدمای مشایخ را فضل بر مشایخ متأخرین است یقین می نمایم که بپیم تر بیت و تلقین آن اکابر احوال و اسرار و معارف اینها را حاصل شد پیرما حضرت مجدد فرموده اند که حضرت شیخ ابن عربی رحمه الله علیه^[۱] امام و مقتدا است در معارف و اسرار و ما واپس ماندگان از خوان نعمت ایشان بهره یافته ایم بعضی جزئیات اسرار باقی مانده بود آنرا بیان کردیم چنانچه امام علم نحو سیبویه و اخفش و غیرهما هستند ابن حاجب و رضی بعضی دقائق نحو واضح نموده اند متأخران فقها جزئیات مسائل بسیار بیان کرده اند و همه از امام اعظم و امام محمد رحمه الله علیهما استفاده دارند علوم و معارف و اصطلاحات طریقه خود که حضرت مجدد بیان کرده اند همه بتر بیت شیخ المشایخ حضرت خواجه محمد باقی ایشانرا رحمه الله علیهما حاصل شده ایشان بعد گرفتن طریقه چشتیه و قادریه از والد ماجد خود خلیفه حضرت شیخ عبد القدوس و شیخ رکن الدین خلیفه و فرزند شیخ عبد القدوس رحمه الله علیهما و انتساب بحضرات سهروردی و کبروی رحمه الله علیهم بالهام و القای الهی آن مقامات در یافته عالمی را بآن درجات رسانیدند و در آن درجات مفصله ایشان اشتباهی نیست که باقرار علماء و فضلاء ثابت شده و طریقه جدید ایشان مشتمل بر ده لطیفه است در سیر هر لطیفه تجلیات و حالات و اسرار جدا جدا است و ورای سیر این ده لطیفه سیری دیگر ارشاد فرموده اند

مصرع: ای خواجه درد نیست و گر نه طبیب هست

آیه شریفه (... وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا * طه: ۱۱۰) بر بی نهایتی این راه گواه است لیکن همه منتسبان طریقه ایشان بآن اصطلاحات نه رسیده اند لهذا اختلاف در حالات آنها

(۱) محی الدین محمد عربی توفی سنة ۶۳۸ هـ. [۱۲۴۰ م.] در شام

(۲) شهاب الدین عمر سهروردی توفی سنة ۶۳۲ هـ. [۱۲۳۵ م.] در بغداد

راه یافته انکار منکران آن مقامات از نارسائی و جهل است جهل حجت نیست مقصود از طریقه صوفیه عقیده سلف صالح است یا قوت دران و توفیق اعمال موافق حدیث و فقه و اخلاق و صبر و قناعت و توکل و مقامات سلوک آنچه میسر شود و ورود احوال باطنی و دوام توجه و حضور که مرتبه احسان است تا دین کامل شود و اجتناب از بدعت و مناهی تا دین تباه نگردد الحمد لله که متوسلان طریقه ایشان که به نسبت باطنی ایشان رسیده اند بواسطه جناب مبارک ایشان این حالات نقد وقت دارند انکار و اعتراضات را مخلصان ایشان جوابها بطور علماء صوفیه نوشته اند محمد هاشم کشمی کتابی مسمی به (برکات احمدیه (مجددیه)) و ملا بدر الدین سهرندی رساله موسومه بـ (حضرات القدس) در احوال شریفه و احوال فرزندان گرامی و خلفاء نامی ایشان نوشته اند و بفهم خود بیان علوم تازه و معارف جدید آنجناب نموده و دیگر عزیزان نیز این سعادت حاصل کرده اند جزاهم الله خیر الجزاء ایشان مجدد الف ثانی اند و حقایق و دقایق و کثرت معارف الهیه و فیوض و برکات ایشان و افاضات کثیره که اصلاح دلها نموده و مقامات عالیه که در طریقه خود بالهامات حق مقرر فرموده اند و آن مقامات قرب الهی است سبحانه معلوم نیست که در کتب صوفیه این مقامات که ولایات ثلثه و کمالات ثلثه و حقایق سبعة و غیره بیان نموده تجدید علوم صوفیه علیه فرموده اند محرر شده باشد (...قَلَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَرِّينَ * الانعام: ۱۱۴) دلیلی است واضح بر مجدد بودن ایشان چنانچه حضرت خواجه معروف کرخی^[۱] و حضرت غوث الثقلین^[۲] و حضرت معین الدین و حضرت خواجه نقشبند و حضرت علاء الدوله سمنانی و حضرت امام غزالی رحمه الله علیهم مجددان طریقه صوفیه بوده اند و انوار و علوم و معارف و فیوض اینها دلیل تجدید ایشان است تشددات و ریاضات صوریه را بتوسط مقرر نمودن و اسرار توحید بی مجاهدات افاضه نمودن و دوام حضور در هر لطیفه

(۱) معروف کرخی توفی سنة ۲۰۰ هـ. [۸۱۵ م.] در بغداد

(۲) غوث الثقلین عبد القادر گیلانی توفی سنة ۵۶۱ هـ. [۱۱۶۶ م.] در بغداد

(۳) معین الدین چشتی توفی سنة ۶۳۴ هـ. [۱۲۳۷ م.] در اجمیر هندوستان

از لطایف عشره داشتن و مدار ترقی بر اتباع سنن حبیب خدا ﷺ مقرر ساختن از خصائص طریقه نقشبندیّه مجددیه است کثر الله اهلها رحمة الله عليهم رحمة واسعة وافاض علينا برکاتهم فی الدنيا و الآخرة آمین آمین ایشان از عقیده خود بجناب حضرت غوث الثقلین رضی الله عنه نوشته اند که (حضرت غوث الثقلین واسطه فیض ولایت اند و این مرتبه توسط اول بحضرت امیر المؤمنین علی مرتضی کرم الله وجهه تعلق داشت باز بحضرات ائمه اثنا عشر رضی الله تعالی عنهم بترتیب قرار گرفته پس بحضرت غوث الثقلین منتقل شد و حضرت غوث الاعظم در عداد اصحاب عظام و اهل بیت کرام اند رضی الله عنهم و این ضعیف را حضرت غوث محی الدین توجهات نمود به ترقیات عالیّه رسانیدند ایشان منیب و این فقیر نائب ایشان است) و تحریر فرموده اند که عروج حضرت غوث الاعظم از اکثر اولیا بلند تر واقع شده و تا بمقام روح فرود آمده اند لیکن نسبت قصور نزول بحضرت غوث الثقلین در کلام ایشان نیست کذب و افترا است بی تحقیق درج ساخته اند جزای کذب در قرآن مجید است معاذ الله حضرت خواجه قطب الدین [۱] مددگار این فقیر گردیده افاضتهای فرموده اند و در باب حضرات مشایخ رحمة الله عليهم چنین تحریر کرده اند این فقیر خوشه چین و زله بردار خوان نعمتهای آن اکابر است که بانواع فیوض مرا تربیت فرموده اند و از غلبه دید قصور که بر پرواز اهل بیخودی و فنا است فرموده اند که کاتب شمال خود را در کار می بینم و کاتب یمین را بیکار خود را اگر بدتر از کافر فرنگ نه بینم محبت خدا بر من حرام فکیف از بزرگان دین سبحان الله وبحمده (من تواضع لله رفعه الله) حدیث پیغمبر صادق و مصدوق است علیه

و علی آله و اصحابه و اولیاء امته الف الف صلاة و سلام و جزاهم الله خیر الجزاء
نظم: من آنخاکم که ابر نوبهاری * کند از لطف بر من قطره باری

اگر بر روید از تن صد زبانم * چو سوسن شکر لطفش کی توانم

رضی الله عنهم و عنا بهم آمین آمین

بیت: رو قیامت شو قیامت را بین * دیدن هر چیز را شرط است این

(۱) قطب الدین بختیار اوشی چشتی توفی سنة ۶۳۴ هـ. [۱۲۳۷ م.] در دهلی

و نحمد الله سبحانه و نصلى و نسلم على حبيب رب العالمين و على آله و اصحابه اجمعين يکى را بر ديگرى ترجيح نمودن بدون ثبوت از آيه شريفه يا از حديث يا از اجماع علما چگونه درست باشد نزديک ارباب علم و معرفت عقیده تساوى و تفاضل يکديگر از کجا ثابت کرده اند عقل و شرع ديگر است و راه محبت و غلبه آن ديگر (اللهم ارنا الحق كما هي) آمين آمين آمين.

مکتوب دويم

در بيان مشغولى بذکر حق سبحانه با توجه بلطائف سبعة و مراقبه احديث و معيت و ما يناسب ذلك

بسم الله الرحمن الرحيم

طريق مشغولى بذکر حق سبحانه با توجه بلطائف سبعة تا دران حرکت ذکر پيدا شود اينست که اول بيست و پنج بار استغفار بخواند باز بأرواح طيبة بزرگان عليهم الرحمة فاتحه بخواند و بواسطه آنها از جناب الهى التجا و طلب فيض محبت و معرفت کند و صورت شخصى که از و تلقين يافته رو بروى دل حاضر نمايد اول از لطيفه قلب که زير پستان چپ به فاصله دو انگشت مایل به پهلو است ذکر کند مفهوم اسم مبارک الله تعالى که ذاتى است بيچون سبحانه در لحاظ داشته و نگه داشت خواطر گذشته و آینده توجه بقلب کرده توجه دل بهمان مفهوم مقدس داشته بزبان خيال اسم مبارک الله الله بگويد هر گاه حرکت در دل پيدا شود باز از لطيفه روح که محل آن زير پستان راست بفاصله دو انگشت است متوجه شده بزبان خيال ذکر کند باز از لطيفه سر که محل آن برابر پستان چپ بطرف سينه بفاصله دو انگشت است باز از لطيفه خفى که محل آن برابر پستان راست بفاصله دو انگشت است بطرف وسط سينه باز از لطيفه اخفى که محل آن در عين وسط سينه است باز از لطيفه نفس که محل آن در پيشانى است ذکر نمايد باز از لطيفه قالب توجه بطرف تمام قالب نموده بزبان خيال الله الله بگويد تا که حرکت در لطيفه قالب ظاهر گردد دويم ذکر نفى و اثبات است زبان بگام چسپانیده بزبان

خیال کلمه لا از ناف تا دماغ کلمه اِله تا بدوش راست آورده کلمه الا الله بر دل ضرب نماید بطوریکه گذر این کلمه بر لطایف خمسه افتد و معنی کلمه طیبه نیست هیچ مقصود بجز ذات پاک در لحاظ دارد در ذکر نفی و اثبات اگر حصر نفس نماید مفید باشد در گفتن ذکر نفی و اثبات رعایت عدد طاق کند و بعد چند مرتبه بگوید محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و نفس بسیار بند نکند تا خفقان نشود بعد گفتن چند بار ذکر اسم ذات باشد یا نفی و اثبات در خیال خود بگوید بانکسار تمام خداوندا مقصود من توثی و رضای تو محبت و معرفت خود ده این هردو ذکر خفیه معمول است هرگاه کیفیتی و جمعیتی پیدا نمود آن کیفیت را نگاهدارد و اگر مستور شود باز ذکر کند تا که کیفیت ملکه شود گفته اند که طرق وصول الی الله سبحانه سه است یکی ذکر بشرائط آن دویم مراقبه و آن توجه بمبدأ فیاض است و انتظار فیض و نگهداشت خواطر سیوم التزام صحبت شخصی که از صحبت او جمعیت و توجه دست دهد جمعیتی و کیفیتی که ازو رسیده است نگهداشته بر تصور او نگاه باید داشت و گفته اند که ذکر و توجه بمبدأ فیاض و توجه بقلب و نگهداشت صورت آن بزرگ هر سه (۳) امر در هر وقت و لحظه باید نمود هرگاه جمعیت و بی خطرگی یا کم خطرگی تا بچهار گهڑی برسد مراقبه معیت بکند (و هو معکم این ما کنتم) معیة او تعالی در لحاظ داشته ذکر کرده باشد اسم ذات بجذبہ اقرب است و نفی و اثبات برای نفی خواطر و آرزوها مفید و محض توجه بدل و بحضرت حق سبحانه استغراق و بیخودی و سکر می آرد و در مراقبه معیت اسرار توحید وجودی بمعنی همه اوست و گرمی و ذوق و شوق و استغراق و بیخودی و دیگر حالات پیدا می شود انشاء الله تعالی و تلاوت قرآن مجید و درود و استغفار و کلمه تمجید و کلمه توحید و سبحان الله و بحمده و نماز تهجد و اشراق و چاشت و بعد از نماز مغرب نوافل و این اوراد ممد جمعیت و نسبت باطن می شود و آن توجه الی الله است بانکسار تمام و صبر و قناعت و شکر و رضا و تسلیم و تفویض و توکل و عفو [۱] و صفح [۲] و سکون و دوام ذکر و توجه از اسباب قرب الهی است

مصرع:

تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد
بعد حصول کیفیات نسبت قلبی مراقبه اقریب و محبت و مراقبه مسمی الباطن و مراقبه
ذات بحت معری عن جمیع الاعتبارات و دیگر مراقبات اگر اراده الهی باشد سبحانه
پیش خواهد آمد و طریقه بزرگان احمدی مجددی همین مراقبات است و السلام.

مکتوب سویم

بصاحبزاده عالی نسب والا حسب شاه ابوسعید [۱] صاحب سلمه الله
تعالی صدور یافته در بیان جواب کتابت ایشان مشتمل بر بعضی بشارات
و منع نمودن از تذکار حالات توحید و جودی و بیان مدح از گذشتن ازان
مقام نسبت نقشبندیه و یاد داشت بنهایه که موافق سنت سنیه است علی
مصدرها الصلوة والتحية وما یناسب ذلك من الاحوال.

بسم الله الرحمن الرحيم

مسند افروز هدایت و ارشاد اولیاء کرام سلامت بعد سلام نیاز واضح می نماید
عنایت نامه بورود مسعود مسرتها بخشید و دعاها در باره شما کرده شد آثار ادعیه بالفعل
هم ظاهر شده باشد امید است که آثار این همه التجاها بجناب الهی تمام عمر شمارا
در گیرد درین پیری و ضعف این ضعیف را بدوام توجه و همت مشکل گشا بدوام عفو و
عافیت و حسن خاتمه یاد فرما باشند احسن الله جزائکم

مصرع:

وللارض من كأس الکرام نصیب

باینوقت شمارا صحبت ارباب توحید که ظاهر و باطن این بزرگان مخمور این دید است
که بریاضات و مجاهدات پیدا کرده باشند و از قال بحال آمده بسیار است و شما را نیز

ازین مشرب حظی حاصل شده و آنچه مختار جناب مبارک حضرت امام ربانی است رضی الله تعالی عنهم ازان حظی یافته اند از این معارف پیران همیشه محظوظ باشند و دلها را محظوظ بکنند و احمد سعید را نیز ^[۱]افیونیان که ترک افیون می نمایند باز به تذکار آن کیفیات افیونی می شوند معاذ الله من الحور بعد الکور - اللهم ثبتنا وجميع اخواننا على صراطك المستقیم و صلى الله على سيدنا محمد و آله واصحابه - چه نعمتی است هنی و چه دولتی است سنی ظاهر باتباع سنت آراسته که شارع را بران جای حرف نباشد و دل از ماسوا پیراسته و جان بنور یاد داشت حضرت خواجه بزرگ و ^[۲]خلفای ایشان استغراقی در مشهود و مشاهده حضرت حق یافته اینست نسبت عزیز الوجود حضرات اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم اجمعین.

مصرع: تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد

آنچه ارباب ریاضات و مجاهدات و ترک و تجرید و خلوت و انزوا و کثرت اذکار از اسرار توحید بحال خود دارند نه قال از غلبه سکر محبت معذور اند اهل علم و قال در اتباع آن معذوران طریقه خود مقرر کنند معلوم نیست که عند الشرع و عقل جائز است یا نه و معارف پیران ما و شما بوجدان صحیح تابعان ایشان می یابند و از تقلید بتحقیق رسیده اند و الحمد لله علی ذلك بودن شما همان جا خوب است اگر آنجا مستفیضان آنجا بکثرت جمع شوند همانجا بسر برند و الا بعد استخاره در حضرت دهلی حاضر شوند در این ضعف مفرط شمارا بسیار یاد کردیم و دعاها هم کردیم لیکن آنچه نزدیک خدا و رسول باشد بهتر همان است مکرر می نویسم که هیچ کار بی استخاره و نیت و انشراح صدر نباید کرد و جواب خط صاحبزاده عالی نسب حضرت احمد سعید اینست که طریقه بزرگان خود را تا نقطه آخر برسانند و تسلیک طالبان نمایند جواب خط حضرت فضل امام جیو آنکه صحبت حضرت ابوسعید را لازم شناسند و در باطن ترقیات نمایند میر سید محمد هم استفاضه صحبت مبارک شما لازم گیرند.

(۱) احمد سعید بن ابی سعید توفی سنة ۱۲۷۷ هـ. [۱۸۶۰ م.] در مدینه منوره

(۲) خواجه بزرگ شاه نقشبند بهاء الدین محمد بخاری توفی سنة ۷۹۱ هـ. [۱۳۸۹ م.] در بخاری

مکتوب چهارم

باین بنده لاشی عفی عنه صدور یافته در جواب عرضی که متضمن بعضی از حالات قلبی بود در بیان حضور بی غیبت مبرا از جهت فوق که نسبت نقشبندیه عبارت ازان است و استهلاک توجه و ما یناسب ذلک

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت سلامت رقعۀ شریفه رسید بمضامین مندرجه اش مسرور گردانید الله تعالی شمارا بمقامات و علوم و معارف آباء کرام رساند در سیر قلبی تلوینات بسیار پیش می آید این همه از تلوینات است سعی فرمایند و بجناب الهی سبحانه التجا نمایند که احوال باطن به تمکین رسد و حضوری که حضرت حق سبحانه را بذات مبارک است پرتو آن بر باطن شریف ظهور نماید حضور بی غیبت مبرا از جهت فوق که متوهم می شود دوام پذیرد و شامل جمیع جهات سته گردد تا نسبت نقشبندی حاصل شود و از کیفیات و حالات گذشته بغیر توجه تام نقد وقت نباشد بلکه آنهم مستهلاک گردد و این استهلاک علامت تمامی سیر لطیفه قلبی است و السلام.

مکتوب پنجم

به بر خوردار احمد سعید [۱] طال عمره و رزقه الله سبحانه کمال آبائه الکرام و سلمه بعافیة صدور یافته در بیان نصائح و شمه از احوال لطائف عالم امر و عالم خلق و حقائق در جواب عرضی ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقبول بارگاه الهی حافظ احمد سعید سلمه الله تعالی از جانب فقیر غلام علی عفی عنه بعد سلام و دعا معلوم نمایند کتابت شما رسید مسرور ساخت تکلف در

(۱) احمد سعید ولد سنة ۱۲۱۷ هـ. [۱۸۰۲ م.] وتوفي سنة ۱۲۷۷ هـ. [۱۸۶۱ م.] فی المدينة المنورة

خطاب و القاب نباید کرد تعمیر اوقات بوظائف اعمال حسنه و دوام پرداخت نسبت باطن و تحصیل علم و مطالعه مکتوبات شریفه بزرگان خود و کتب قدمای صوفیه عوارف و تعرف و آداب المریدین و رضای الهی سبحانه و اشتیاق لقا کسب نمایند و بدعاء خیر مرا نیز یاد دارند الله تعالی از کمالات آباء کرام رحمة الله علیهم بهره وافر کرامت فرماید صحبت شریف والد ماجد خود سلمه الله تعالی لازم شناسند در سیر لطائف عالم امر کیفیتها و اسرار ظاهر می شود و در سیر لطائف عالم خلق بی رنگیها و لطافتها و بداهت آنچه نظری است دست دهد زیارت انبیاء علیهم السلام و حالات محبت ذاتیه دران حقایق باید که ظهور کند و وسعت در انوار و علو پیدا شود و السلام.

مکتوب ششم

بخواجه محمد حسن صاحب مودود کمهاری چشتی صدور یافته در بیان آنکه آثار صوفیه علیه که بمقامات رسیده اند علوم نافع اند و ترک و تجرید و ریاضات بموهبت الهی سبحانه و تعریض بر منکران حضرت مجدد الف ثانی رضی الله عنه بتقریر واضح و تمثیل لائح و دفع بعضی شبهات معاندان که بر کلام آنجناب نموده اند و ما یناسب ذلك

بسم الله الرحمن الرحيم

بجناب صاحبزاده عالی نسب والا حسب سلمهم الله تعالی از فقیر غلام علی عفی عنه بعد از سلام نیاز میرساند از تحریر حافظ ابوسعید صاحب در یافت شد که ملفوظات شریفه برای استفاده مطالعه ایشان عنایت کرده بودند ایشان نوشته اند که تحریر آنجناب بسیار بجا و متضمن فوائدھا الله تعالی طالبان را بآن منتفع فرماید حضرت سلامت ارشاد فرمایند که آثار صوفیه عالیه که بعنایت الهی بمقامات رسیده اند چیست تا دلیل باشد بر کمال باطن ایشان و آن علوم نافع است و ترک و تجرید و

ریاضات و ترک مرغوبات و مألوفات چنانچه از بزرگان دین همین مروی است آری اگر موهبت الهی دستگیری فرماید در کسب کمالات ریاضت را دخلی نباشد مگر باز بر مجاهده باید آمد دیگر ارشاد فرمایند و انصاف نمایند و اعتساف در میان نباشد که الله تعالی نبی آخر الزمان را صلی الله علیه و آله و سلم ملت حنیفه عنایت فرموده و وحی نازل کرده و معجزات کرامت فرموده همه عالم از علماء و عقلا بآن اقرار کرده که دران اشتباهی نمانده اگر چندی از معاندان انکار حقیقت آن نبی صادق مصدوق نمایند اعتباری ندارد پس الله تعالی شیخ المشایخ حضرت مجدد ألف ثانی را از مقامات عالیہ تلقین کرد و فیوض و برکات تازه مرحمت فرمود و علماء و عقلا آن کمالات را حاصل کردند و اقرار نمودند دران شبهتی نمانده اگر بعضی از علماء ظاهر بتعسف و حسد انکار نمایند که ما را چرا نمیشود اعتباری ندارد و هر اعتراضی را جوابی معقول موافق علماء صوفیه موجود است و رسائل رد اعتراضات متعدده شیوع یافته است انبیاء علیهم السلام را از اعمال اُمّتیان ثواب حاصل است (الدّال علی الخیر کفاعله) امر بطلب صلوة ابراهیمی برای همین صدور یافته که دران مرتبه ترقیات حاصل شود پس جمیع امت که مأمور بطلب صلوة ابراهیمی اند درین درجه حاصله فوآئد دست داده و الا مأمور نمی شدند مگر از بعضی کم و از بعضی زیاده و از ارباب ریاضت و مجاهده از کثرت اذکار که بسبب غلبه محبت اسرار توحید ظهور یافته بسبب غلبه سکر معذور اند و بزرگانی که ازین مرتبه ترقی کرده بمعارف حقّه شرائع اسلامی رسیده اند علوم ایشان موافق نصوص کلام الله و حدیث است و میتوانند که بعضی از کمالات الهی در میان سیر و سلوک ظهور یافته بآن اسرار ممتاز فرموده باشند و بعضی کمالات الهی در میان راه پیش آمده آنچه مقتضای صحو و هوشیاری است این اکابر را عطا فرموده بعضی آیات الهی را بتأویل که معنی دیگر دارد موافق سکریات خود فرود آورده دور از عقل و شرع است صلی الله علی محمد و آله و سلم خیر خواهی اینست که آنچه در فهم نیاید از علمای آن طریقه تحقیق فرمایند نه که زبان طعن کشایند این نصیحتی است که (الدین النصیحة) و السلام عزیزان بی تأمل و بی تحقیق اعتراضات کرده اند و آن